

هَهْ لِيَهْ رِكِي (رقص كُردِي)

ليلا كرمي و زمزاني



بررسی باورها آغازگاه پیدایی فرهنگ است. با تحول باورها به عنوان بنیادی‌ترین جهان‌بینی انسان، فرهنگ، سویه‌های گوناگونی به خود می‌گیرد. شناخت فرهنگ هر ملتی بی‌شناخت تحولاتی که در باورهای آن قوم به وجود آمده امکان‌پذیر نیست. بنابراین شناخت تحولات و تطوراتی که در باورها، خرافات و موهومات یک قوم تاکنون در رخساره‌های گوناگون نمود پیدا کرده، ما را در شناخت بسیاری از تحولات اجتماعی، اعتقادی، سیاسی و فکری ایران زمین یاری خواهد نمود. عقاید و باور داشته‌های هر قومی با توجه به شیوه‌ی زندگی در عمق فکر و ذهن آن قوم ریشه دارد و هنگامی با دید باز و تفکری ژرف به مفهوم این اعتقادات توجه داشته باشیم، در خواهیم یافت که در هر کدام از آن باورهای ویژه، دستوری، بهداشتی، اخلاقی و انسانی بسیار مفید نهفته است که رعایت کردن آن‌ها نه تنها مفید و لازمه‌ی زندگی می‌باشد بل که در نهایت در راتای رهنمود دادن به مردمی خواهد بود که به این باورها معتقدند حتی در افراطی‌ترین این دستورات راز و رمزی پنهان است که به علت فراموشی فلسفه‌ی وجودی آن آداب، معمولن آن‌ها را خرافات می‌نامند. آنچه در اجتماعات

کتونی به عنوان خرافات و موهومات به چشم می‌خورد جلوه‌هایی از اندیشه‌ها و گروه‌های نیاکان رجمند ماست که ریشه‌یابی و تحلیل این باورها که در زمان‌های دراز، دگرگونی‌ها به خود گرفته، در اثر پیش‌رفت روزافزون بشر به دست فراموشی سپرده شده است. خیلی از این باورها نشان‌دهنده‌ی عدم شناخت بشر اولیه از محیط و طبیعت اطرافش بوده است که امروزه به سبب بالا رفتن علم و آگاهی‌اش به صورت پندار و خرافه در آمده، ولی به عنوان گنجینه‌های مسیر تکاملی و پیش‌رفت اندیشه‌ی بشری، بایستی به ثبت رسانده شود.

«چوبی» نوعی رقص کردی است که به صورت کردی همراه با ساز و دهل برگزار می‌شود. رهبری رقص را «سرچوبی‌کش» دارد که در یک دست، دستمال و در دست دیگرش به دست دیگر رقصنده‌گان وصل است و با حالتی دوران می‌چرخند. «ماری شیمیل» در کتاب «شکوه شمس» در مورد مولانا شاعر بزرگ صوفی و پیشوای درویشان چرخ‌زن چنین می‌گوید:

با نه پدر در هر فلک یک چند دوران کرده‌ام
با اختران در برج‌ها من سال‌ها گردیده‌ام

رقص دورانی یا چرخشی این مسلمانان دیندار از رمزگرایی کیهان سود برده و تقلیدی است از گردش دوازده سیاره پیرامون خورشید، آنان بر محور خویش می‌چرخند به صور فلکی یا صور کواکب. و در عین حال همه‌ی گروه دور درویشی که در مرکز می‌رقصند و نمودگار خورشید است، می‌چرخند.

اشیاء زینتی دایره مانند از قبیل: دستاورنجن، کمربند، حلقه، توق و گردنبند در تمام تمدن‌ها علاوه بر آن که باعث زیب و زینت آدمی از دوران ماقبل تاریخ بوده‌اند، به عنوان طلسمی که خواص جادویی داشته مورد استفاده واقع شده‌اند. حتی در هنگام مرگ با همین اشیاء، مرده‌گان را دفن کرده‌اند.

کنگره‌های برج و بارو و ارگ حصار و خندق که به صورت دایره‌وار می‌باشند، با برگزاری آیین‌هایی هزیمت دیوان و اهریمنان و دفع بیماری‌های واگیر ساخته شده‌اند. هر چند کنش اساسی آن‌ها حفاظت است زیرا ذهنیت جادویی مردم تمدن‌های پیشین دایره را عامل حفاظت و نگهداری دانسته‌اند. به همین خاطر بسیاری از شهرها بر طبق الگویی دایره‌یی بنیان شده‌اند مثلن شهر رم که دو قطر آن را به چهار بخش تقسیم می‌کنند و به چهار دروازه منتهی می‌شود و طرح شهر بغداد نیز

که در سال ۱۴۵ هجری ساخته شده، مدور است. برای آن که نماد جهان باشد.

استاد دکتر شقیعی کدکنی در کتاب گزیده‌ی غزلیات شمس درباره‌ی بغداد از نظر مولانا چنین می‌گوید: بغداد از نظر مولانا رمز مرکزیت و شهر بزرگ (ام‌البلاذ) جامعه‌ی اسلامی است و مولانا هر جا بخواهد از شهری که دارای دیدنی‌ها و خوشی‌های بسیار است سخن بگوید بغداد را مثال می‌زند.

اعتقادات و باورهای ایرانیان داشته است به طوری که در نقش برجسته‌یی در تاق بستان که مراسم تاج‌گذاری اردشیر دوم (۳۸۳-۳۷۹ م) از دست اهورا را نشان می‌دهد، مهر را می‌بینیم که ناظر بر این صحنه است. در این نقش، مهر در حالی که تاجی از اشعه‌ی خورشید بر سر و شاخ‌های «برسم»

در دست دارد، دیده می‌شود. در زبان فارسی امروزی از واژه‌ی مهر مفاهیم و معانی مختلفی از جمله: خورشید، عهد و پیمان و نیز دل‌بسته‌گی و محبت مستفاد می‌شود.

نام هفتمین ماه خورشیدی هم مهر است و از آن جا که در ایران باستان هر یک از روزهای ماه به نام ایزدی خوانده می‌شود، شانزدهمین روز هر ماه به نام ایزد «مهر» بود و از این رو روز مهر از ماه مهر، «مهرگان» خوانده می‌شد، جشن مهرگان برپا می‌کردند. ابوریحان بیرونی در کتاب آثارالباقیه در این خصوص چنین می‌گوید: «گویند مهر که اسم خورشید است، در چنین روزی ظاهر شد و به همین مناسبت این روز را بدو منسوب کرده‌اند. پادشاهان در این جشن تاجی که به شکل خورشید و در آن دایره چرخ مانند نسب بود به سر می‌گذاشتند.»

کرده‌ها هم مانند سایرملل نموده‌ایی از زندگی خود را در قالب حرکاتی ریتمیک و موزون که اساسن برگرفته از پیشینه‌ی تاریخی، موقعیت جغرافیایی، شیوه‌ی زندگی، اعتقادات، کار و تلاش، جنگ و ستیز و... است در طی هزاران سال به وجود آورده‌اند که «هه لپه رکی» نامیده می‌شود.

هه لپه رکی جای‌گاه خاص خود را در فرهنگ کرده‌ها دارد به گونه‌یی که شناخت آن نگاه عمیق و نافذ بیننده را می‌طلبد تا شاهد سماع و شکرگزاری رقصنده در «هه و شار»، ظلم‌ستیزی در «زَه نگی»، شادی و نشاط در «که ریان» و... باشد.

رقصنده‌گان با دست‌های در هم گره کرده امانت‌دار قرن‌ها فرهنگ متجلی در «هه لپه رکی» هستند که بیان‌گر اتحاد و یک پارچه‌گی آنان در طول تاریخ می‌باشد. این حرکات به لحاظ تنوع شیوه‌ی زندگی در نقاط مختلف کردستان متفاوت است و در مناسبات مختلف آیینی، شادی و غم جای‌گاه خاص خود را دارد. متأسفانه گاهن نمونه‌هایی از این ریتم‌ها به مرور زمان فرسایش یافته و بعضن فراموش شده‌اند.

رقص کردی در زمان‌های قبل از اسلام ذکری بود برای خداوند و هم‌چنین در اکثر مواقع آن را در مقابل معبد آناهیتا و برای بازگوکردن وقایع جنگ‌های‌شان به نمایش می‌گذاشتند.

رقص کردی (هه‌لپه‌رکی، هه‌لپه‌رین، رقصیدن)، رقصی گروهی و شامل چند نوع است. در تمامی این رقص‌ها گروه که به صورت حلقه‌یی دور هم گرد آمده‌اند از چپ به راست حول نقطه‌یی می‌گردند.

در این رقص‌ها یک نفر راهنمای صف رقصنده‌گان می‌شود و با چرخاندن دستمال و آغاز حرکات رقص را به بقیه منتقل می‌کند. به این فرد راهنما «سرچویی‌کش» گفته می‌شود. در صف رقص هر کس با دست چپ، دست راست نفر بعد را می‌گیرد که اصطلاحن این حالت را «گاوانی» می‌نامند. گاهی گاوانی به معنی انتهای صف نیز می‌آید. شیوه‌ی گرفتن دست هم‌دیگر توسط افراد گروه بسته‌گی به نوع رقص دارد. ■

پی‌نوشت:

۱. باقری، دکترمهری، دین‌های ایرانی پیش از اسلام، دانشگاه تبریز، ۱۳۷۶

۲. بیرونی، ابوریحان، آثارالباقیه ... ترجمه‌ی دکتراکبر داناسرشت، تهران، ۱۳۶۳

۳. پرنیان، موسی، فرهنگ عامه‌ی کردی از ویکی‌پدیا، دانش‌نامه‌ی آزاد

۴. نشریه‌ی هنر کرمان‌شاه.